

فصلنامه سیاست دفاعی

سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴

## مردمی کردن امنیت در مدیریت بحران؛ بررسی مورد کردستان

نویسنده: نبی‌اله روحی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۱۰/۱۱

تاریخ تأیید مقاله: ۸۴/۱۲/۲۰

صفحات مقاله: ۱۶۱-۱۶۲

### چکیده

نقش مثبت مردم به عنوان مهمترین عامل تأمین امنیت از ارزش بسیاری برخوردار است که میزان آن به نسبت همراهِی و همکاری مردم با حکومت در مقابله با تهدیدات داخلی محاسبه می‌شود. مردمی کردن امنیت یکی از اصول استراتژیک مدیریت بحران کردستان محسوب می‌شود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان آن با اعتقاد و عمل به آن در یک روند تکوینی و روبه‌رشد توانستند از این عامل در جهت ارتقا و تثبیت امنیت در منطقه بهره‌مند شوند. در این مقاله ضمن بررسی زمینه‌ها، اهداف و ویژگیهای مردمی کردن امنیت، کارکردهای امنیتی این رویکرد در مدیریت بحران مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

\* \* \* \* \*

### کلیدواژگان

مدیریت بحران، امنیت، مردم، کردستان، حمایت مردمی، شورش، ضدشورش.

\* پژوهشگر پژوهشکده علوم دفاعی - دانشگاه امام حسین (ع).

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مناطق کردنشین شمال غرب ایران صحنه یکی از بحرانهایی بود که نیروهای دولت نوپای جمهوری اسلامی ایران و گروههای سیاسی گرد مخالف، دو مؤلفه اصلی این صحنه به شمار می آمدند. در یک سو دولت با استفاده از نیروهای خود جهت برقراری امنیت می کوشید و از سوی دیگر گروههای شورشی با عملیات نظامی در مقابل نیروهای دولتی برای کسب اهداف خود مبارزه می کردند. برآیند این دو مؤلفه؛ بروز بحران و درگیریهای نظامی و ایجاد ناامنی های پی در پی در طول سالهای اولیه پس از انقلاب بوده است.

وقوع بحرانهایی نظیر آنچه در کردستان رخ داد، متعاقب پیروزی انقلاب ها و شکل گیری دولتهای نوین به دلایل نظری بسیار محتمل و به لحاظ تجربه تاریخی اجتناب ناپذیر است. با تخلیه قدرت رخ داده در اثر سقوط رژیم پیشین و ضعف دولت مرکزی جدید، وقوع بحران هایی نظیر شورشهای کردستان طبیعی است. این مناطق همواره این پتانسیل را به صورت انرژی ذخیره در خود دارند و نظام مستقر می تواند به روشهایی آن عوامل را مدیریت نماید.

سیاست نظام جمهوری اسلامی از آغاز این منازعه، دوستی با مردم کردستان، مذاکره و احتراز از جنگ و درگیری، فعالیتهای عمرانی و کمک به محرومان منطقه و تلاش برای ایجاد عدالت اجتماعی، اقتصادی و تقویت روحیه برابری و برادری در بین مردم بود. احزاب دموکرات کردستان و کومله، دو جریان عمده در شکل گیری بحران کردستان ضمن جلوگیری از فعالیت نهادهای دولتی، بر این باور بودند که با توجه به محیط داخلی و خارجی، دولت جمهوری اسلامی ایران با بحران حاکمیت روبه رو خواهد شد و در آینده ای نه چندان دور سقوط خواهد کرد. بر اساس چنین تحلیلی آنها کوشیدند پادگانهای نظامی منطقه را خلع سلاح کنند و با سروسامان دادن به تشکیلات سیاسی، بویژه تشکیلات نظامی، اجازه برقراری حاکمیت در مناطق کردنشین را به دولت نداده و با توسل به اقدامات

نظامی، تمامی تلاشهای دولت و نمایندگان اعزامی حضرت امام خمینی(ره) را برای جلوگیری از جنگ و درگیری با شکست مواجه کردند.

برقراری و تثبیت امنیت در کردستان از طریق مردم و برای مردم، یکی از ارکان مهم تصمیم‌گیری در مدیریت بحران کردستان محسوب می‌شد. این اعتقاد و عمل به آن باعث شد بومی آن منطقه با مشارکتی گسترده در عملیات مقابله با شورش گروههای ضدانقلاب به‌کارگیری شوند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان آن با تهیه و اجرای طرحهای مختلف، بویژه طرح تسلیح در یک روند تکوینی و روبه‌رشد توانستند از این عامل در جهت ایجاد و تثبیت امنیت در کردستان بهره‌مند شوند.

با اذعان به نقش تعیین‌کننده مردم در مدیریت بحران کردستان، سؤال اصلی در این پژوهش عبارت از اینکه، بسیج مردم بومی کردستان (با تأکید بر تسلیح) از سوی سپاه (۱۳۷۰-۱۳۵۸) چه نقشی در مقابله با بحران کردستان ایران داشت. پاسخ موقت (فرضیه) ما به سؤال محوری این است: تسلیح مردم شیوه‌ای مناسب برای حل مشکل ناامنی در کردستان بود و موجب ایجاد امنیت در این منطقه گردید. فرضیه تحقیق بر رابطه مستقیم میان تسلیح مردم بومی و ایجاد امنیت در کردستان ایران استوار است. در اینجا محقق ضمن پذیرش تأثیر عوامل متعدد در ایجاد امنیت در کردستان، در این پژوهش بر بررسی نقش تسلیح مردم بومی در مدیریت بحران کردستان و ایجاد امنیت متمرکز است. این تحقیق که به بررسی گذشته‌نگر تسلیح مردم در کردستان پرداخته است، از نوع کاربردی می‌باشد. روش تحقیق استفاده شده در آن موردی توصیفی است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از روش تحلیلی محتوا استفاده شده است. محدوده مکانی مورد بررسی مناطق کردنشین استانهای آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز ضمن بررسی منابع و اسناد مکتوب، با مسئولین و دست‌اندرکاران نظامی - سیاسی که مدت طولانی در کردستان بوده‌اند، مصاحبه صورت گرفته است.

## چارچوب نظری

با توجه به اینکه کردستان ایران پس از انقلاب اسلامی شاهد کنشهای شورشگرانه احزاب، گروهها و دستجات مخالف جمهوری اسلامی بود، به این دلیل بسیاری آن را بحران شورش نام نهاده‌اند، از این رو در این بخش رابطه توده مردم با پدیده شورشگری و ضدشورشگری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

شورش یکی از روشهای ایجاد تغییرات اجتماعی است که در مبارزه‌های طولانی و از طریق روشهای غیرقانونی و خشونت‌آمیز در پویش خود، سیستمهای دولتی موجود و ساختارهای اجتماعی مترتب بر آن را نابود می‌سازد (کالینر، ۱۳۷۳). شورشها اهداف مختلفی از قبیل تغییر حکومت، تجزیه طلبی، خودمختاری یا حق تعیین سرنوشت را تعقیب می‌کنند و در راه رسیدن به این اهداف در پی کسب حمایت مردم و جذب آنها به نفع شورش هستند (حسینی، ۱۳۷۲). از سوی دیگر ضدشورش، به عنوان نقطه مقابل شورش، تلاش دارد با استفاده از ابزارهای مختلف ارتباط شورشگر را با مردم قطع کند و امکان سرکوب آن را فراهم نماید و با جلب حمایت مردم، مقبولیت حکومت را تقویت نماید و از نیروی مردمی برای مقابله با شورش بهره گیرد (Beckett, 2001). در واقع، اجتماع مردم رسانه‌ای است که شورش و ضدشورش در آن عمل می‌کند، و هدف هر یک از آنها، کنترل این اجتماع به نفع خود است. شورش به دلیل ایجاد تعادل میان قوای خود با قوای ضدشورش، مجبور است در جریان مبارزه، توده مردم را از دولت جدا سازد و آنها را به‌طور فیزیکی کنترل کند و پشتیبانی و حمایت فعال آنها را به دست آورد (شورشگری و ضدشورشگری، بی‌تا، ص ۱۷). حمایت فعال مردم از شورش می‌تواند توازن را به نفع شورشگر تغییر دهد، زیرا حمایت مردم مزایای چشمگیری برای شورش دارد، یعنی علاوه بر کسب مشروعیت، می‌تواند از طریق حمایت مردم به اطلاعات، پناهگاه، تدارکات و نفرت جدید دست یابد. (Elliot, 1991)

از سوی دیگر در هر نظام سیاسی چنانچه حمایت از صاحبان اقتدار و خط‌مشی‌های آنها کاهش یابد، فشارهای درونی در آن پدیدار خواهد شد. این

فقدان حمایت، ممکن است به از بین رفتن حمایت از رژیم منجر شود. حکومتها تا زمانی قادر به ادامه حیات هستند که از حمایت مردم برخوردار باشند، کافی نیست که مردم بی طرف نگاه داشته شوند، بلکه مشارکت فعالانه آنان در امور سیاسی و اجتماعی و حمایت از دولت، بخصوص در شرایط وجود جریان فعال شورش، شرط لازم برای بقای دولت است. از این رو اکثر نظریه پردازان بر این نکته توافق دارند که هدف اصلی شورش باید کسب وفاداری جمعیت غیرنظامی باشد، یعنی همان هدفی که شورش تعقیب می کند (بیلیس و مکاران، ۱۳۷۳). به اعتقاد تامپسون، این عمل می تواند از طریق سیستمی از عملیات مرتبط در زمینه های متنوع اعم از داخلی و خارجی، برای محروم کردن ماهی از آب که موجب انزوای شورشگران و تبعیت مردم از حکومت می شود، انجام گیرد (Thompson, 1970). گالولا نیز در این مرحله هدف اصلی ضدشورش را بازیابی مجدد کنترل بر مردم و برخورداری از پشتیبانی داوطلبانه آنها می داند. وی معتقد است تا توده مردم همکاری نکنند، دستاورد پر دوام و مطمئن در این زمینه وجود نخواهد داشت. (Galula, 1964)

برای ضدشورش مسئله این نیست که چگونه باید منطقه ای را پاکسازی کرد، ضدشورش می تواند هر موقع بخواهد با متمرکز کردن نیروهای خود در منطقه، آن را از عناصر شورشگر پاکسازی کند، اما مهمتر از پاکسازی حفظ این مناطق، به نحوی که نیروهای دولتی بتوانند آزادانه و با خیال راحت به منطقه دیگر بروند، می باشد. بویژه اینکه اشباع نظامی کل منطقه امکان پذیر نیست. تحقق این امر صرفاً با همکاری مردم و جلب حمایت آنها ممکن می شود. نیروهای دولتی می توانند واحدهای شبه نظامی و نظامی شورش را متلاشی کنند، اما از بین بردن سازمان سیاسی شورشگر، تنها با عملیات وسیع پلیسی، امکان پذیر نیست. غیرممکن است بتوان مانع بازگشت نیروهای نظامی و شبه نظامی و تجدید سازمان شبکه حزبی گردید، مگر آنکه توده مردم را بتوان به همکاری ترغیب کرد. بنابراین جذب توده مردم همان طور که هدف شورشگر است، هدف دولت نیز هست و عامل حیاتی برای موفقیت مدیریت بحران محسوب می گردد. (حسینی، ۱۳۷۹)

## بحران کردستان و سیاست مردمی کردن امنیت

بحران کردستان به عنوان مهمترین چالش داخلی، مدت زمان کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز و همزمان با سقوط پادگان مهاباد به دست گروههای شورشی وارد مرحله نظامی شد. گروههای شورشی با بهره‌مندی از وضعیت جغرافیایی کردستان و همجواری با عراق و دریافت کمکهای نظامی و مالی از رژیم بعث عراق، وضعیتی را پدید آوردند که تمامی مناطق کردنشین استانهای کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه دچار بحران شد. در مقابل این وضعیت، جمهوری اسلامی با توجه به شرایط حاکم بر کشور و وضعیت مناطق بحرانی، سیاستهای امنیتی لازم را اتخاذ و به مرحله اجرا گذارد.

جمهوری اسلامی ایران در ابتدا سیاست مذاکره و حل مسالمت‌آمیز بحران را در پیش گرفت، اما از آنجایی که گروههای مخالف در کردستان اساساً به جمهوری اسلامی و راه‌حل مسالمت‌آمیز اعتقاد نداشتند؛ با ایستادگی بر مواضع خود، امکان برقراری نظم سیاسی را از ناحیه دولت مرکزی سلب کردند (چمران، ۱۳۶۴). در نتیجه تمامی تلاشهای دولت و نمایندگان اعزامی حضرت امام خمینی (ره) برای جلوگیری از تشدید بحران و وقوع جنگ و خونریزی در کردستان با شکست روبه‌رو شد. تندروی احزاب و گروههای مخالف، باعث تشدید بحران کردستان و کشمکش داخلی و کناره‌گیری هفت تن از اعضای کمیته مرکزی و انشعاب در حزب دموکرات کردستان به رهبری غنی‌بلوریان گردید.<sup>۱</sup>

سیاست مردمی کردن امنیت بر اساس تأکیدات حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر حل مسئله کردستان از طریق مردم منطقه و این اصل که حساب مردم کرد از ضداقلاب جداست، شکل گرفت؛ یعنی با مردم رأفت و با ضداقلاب شدت

۱- غنی بلوریان با توجه به سیاستهای مسالمت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران در قبال مسئله کردستان در خاطرات خود ضمن افشاگری ارتباط و حمایت رژیم بعث عراق از حزب دموکرات کردستان ایران می‌نویسد: «مهمترین اشتباه رهبری حزب دموکرات این است که از موقعیتهای مناسبی که برایشان پیش آمد استفاده خوبی نکرد و بهره‌برداری درستی از این فرصتها برای حل مسئله کردستان صورت نگرفت.» (بلوریان، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳)

عمل، بر اساس چنین سیاستی، در حالی که در کردستان با عناصر مسلح گروههای شورشی مقابله می‌شد، در همان حال دولت وظیفه داشت خدمتگزار مردم کردستان باشد. این سیاست بر این اعتقاد بود که با توجه به زمینه‌های موجود در کردستان و همراهی آنها با انقلاب، می‌توان با ورود مردم به صحنه و جلب مشارکت آنها، نسبت به ایجاد و حفظ امنیت در کردستان اقدام کرد.

محمد بروجردی شاخص این دیدگاه بود. بر این اساس از همان ابتدا مدیریت بحران کردستان، در حالی که نیروهای دولتی درگیر منازعات مسلحانه بودند و متحمل تلفات می‌شدند، از طریق جهاد سازندگی و سایر نهادها و ارگانهای دولتی و حتی واحدهای نظامی و انتظامی از خدمت کردن به مردم فروگذار نمی‌کردند.<sup>۱</sup> این خدمات شامل: آذوقه‌رسانی، آب‌رسانی، تعمیر مساجد و اماکن عمومی، برق‌رسانی، امداد و درمان، راه‌سازی، احداث پل، مدرسه‌سازی، راه‌اندازی مدارس غیرفعال و سوادآموزی می‌گردید.<sup>۲</sup>

روشنگریهای حضرت امام خمینی(ره) در ارائه یک تفسیر جدید و ارائه چهره واقعی و حقیقی از اسلام، باعث شد که اسلام نقش اصلی خود را در بسیج توده‌ها ایفا کند. مشارکت وسیع مردم در انقلاب اسلامی در میان انقلابهای قرن بیستم و ماهیت اسلامی آن از حیث ایدئولوژی، سازماندهی و رهبری بی‌سابقه بود (الگار، ۱۳۶۰). با وجودی که حرکت انقلابی در ایران بر پایه ارزشها و آرمانهای مکتب تشیع بود، اهل سنت هم از جنبش طرفداری و همگام با ملت مسلمان در انقلاب شرکت کردند و در اولین رویارویی سیاسی گروهها و احزاب مخالف با رژیم جمهوری اسلامی ایران، مردم کردستان در فراندوم جمهوری اسلامی ایران به‌طور گسترده حضور یافتند و به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند؛ این به

۱- از این سیاست به عنوان سیاست با یک دست تفنگ و با دست دیگر کلنگ نیز نام برده شده است. به طوری که اولی سمبل مقاومت در قبال اقدامات خشونت‌آمیز گروههای مسلح شورشی و دومی سمبل خدمت به مردم کردستان بود. (جلایی‌پور، ۱۳۷۲)

۲- به همین دلیل یکی از آماجهای گروههای مسلح شورشی، بخشهای غیرنظامی و خدماتی دولت بود.

معنی شکست سیاسی گروهها و احزاب کردستان در اولین رویارویی سیاسی با نظام جمهوری اسلامی ایران بود (Entessar, 1992). از سوی دیگر این حضور، نشانه اعتماد عمومی کردها به نظام جمهوری اسلامی و وجود زمینه‌های قوی بسیج مردم تلقی می‌شد که مورد توجه مدیریت بحران قرار گرفت.<sup>۱</sup>

جهت گیری سیاست جمهوری اسلامی ایران در کردستان در درجه اول مرهون دیدگاههای حضرت امام(ره) نسبت به مسئله کردستان، سپس تفکر حاکم بر فرماندهان و مسئولین اعزامی به منطقه بود که اساساً نگاهشان یک نگاه مردمی بود و انقلاب را متعلق به مردم می‌دانستند و معتقد بودند که امنیت پایدار صرفاً از طریق مردم قابل تحقق است. این نگاه به صورت یک دکترین سرلوحه امور فرماندهان سپاه قرار گرفت و شخصیتهایی چون محمد بروجردی و ناصر کاظمی این رویکرد را به صورت نهادینه و سازمان‌یافته ادامه دادند.

### تسلیح مردم و دستاوردهای امنیتی آن<sup>۲</sup>

در ادوار گذشته و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تسلیح مردم به صورت تسلیح عشایر، تابعی از شرایط امنیتی بود، به طوری که هرگاه منطقه‌ای با مشکل امنیتی روبه‌رو می‌شد، با مسلح کردن عشایر منطقه (به صورت موقت)، مخالفین و شورشیان سرکوب می‌شدند. به دنبال تجربه ناموفق ژاندارمری در تسلیح عشایر، مأموریت تسلیح به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واگذار گردید.<sup>۳</sup>

۱- منبع و منشأ دیگر برای بسیج مردم، خود مردم بودند. مردمی که زیر بار ظلم و ستم گروههای مسلح شورشی قرار گرفته بودند، مکرر به سپاه مراجعه کرده و خواستار آن بودند که با کمک سپاه، از نوامیس و روستای خود دفاع کنند.

۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه بر تسلیح، طرحهای دیگری را به منظور بسیج مردم تهیه و اجرا کرد که می‌توان به طرحهایی چون، طرح هجرت، طرح نور، طرح انصار، طرح پاسدار معلم، طرح شهید کاظمی، طرح بعثت و طرح بسیج خواهران و ایجاد مجتمعات آموزشی و پرورش در مناطق کردنشین اشاره کرد.

۳- ژاندارمری آذربایجان غربی قصد داشت با استفاده از تجربیات سالهای ۱۳۵۱-۱۳۴۷، عشایر کُرد منطقه را تسلیح کند ولی تغییر شرایط سیاسی، کمبود کادر مناسب و نبود طرح و برنامه مشخص و منسجم ژاندارمری قادر



با مروری به اقدامات سپاه، تسلیح مردم را می‌توان در دو مقطع مورد بررسی قرار داد. مقطع اول قبل و حین آزادسازی مناطق تحت اشغال گروههای شورشی و مقطع دوم، پس از آزادسازی مناطق تحت کنترل شورشیان و تشکیل قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع).

مقطع اول - از آغاز بحران، تعداد قابل توجهی از مردم منطقه به صورت خودجوش و با علم به مزاحمتهایی که گروههای مخالف برای آنها ایجاد می‌کردند، در قالب تشکیل کمیته‌های انقلاب از نظام و انقلاب اسلامی حمایت می‌کردند. ولی با خروج سپاه از مناطق کردنشین که بر اساس توافق هیأت اعزامی دولت موقت با گروههای مخالف صورت گرفت و بازگشت مجدد گروههای شورشی، هواداران بومی انقلاب اسلامی خلع سلاح و برخی از آنها نیز به قتل رسیدند. گروهی نیز به ناچار و به امید بازگشت به مناطق خارج از دسترس گروههای ضدانقلاب مهاجرت کردند. (چمران، ۱۳۶۴، ص ۸۲)

به دنبال سرکوب کمیته‌های مردمی از سوی گروههای شورشی، یکی از اقدامات سپاه در این مقطع تسلیح مردم و تشکیل سازمان پیشمرگان مسلمان کرد بود. تقاضای مردم مبنی بر ایجاد امنیت در شرایطی که سپاه اجازه ورود و فعالیت در کردستان را نداشت، سازمان پیشمرگان مسلمان متشکل از مهاجرین کرد و دیگر نیروهای داوطلب شکل گرفت.<sup>۱</sup> تشکیل این سازمان پاسخی از سوی سپاه به استمداد مردم کردستان بود که با تشکیل هسته اصلی آن در کرمانشاه، شاخه‌های مختلف آن در شهرهای مختلف تشکیل و شروع به عضوگیری کرد.

---

به اداره و کنترل افراد مسلح شده نبود. در نتیجه با پیوستن ناگهانی برخی از هشایر به گروههای شورشی این طرح با ناکامی روبه‌رو شد.

۱- کامیاران اولین شهری بود که در بهمن ماه ۱۳۵۸ از سوی نیروهای سازمان پیشمرگان مسلمان کرد از کنترل شورشیان آزاد شد. پس از انجام موفقیت‌آمیز این عملیات، سازمان با صدور اطلاعیه‌ای ضمن اعلام موجودیت، مسئولیت آزادسازی کامیاران را برعهده گرفت (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۱۰/۱۶). آزادسازی کامیاران ضربه سنگین سیاسی و روانی بر گروههای ضدانقلاب وارد آورد.

سازمان پیشمرگان مسلمان کرد در شرایطی اعلام موجودیت کرد که بخش اعظمی از مناطق کردنشین ناامن بود و کلیه شهرهای کردنشین به استثنای شهر پاوه و محورهای مواصلاتی در کنترل گروههای مسلح ضدانقلاب قرار داشت. در نتیجه لازم بود برای بسیج مردم در ابتدا مناطق کردنشین از کنترل شورشگران آزاد شود تا مردم حق انتخاب داشته باشند، ولی وجود نیروهای داوطلب برخوردار از انگیزه‌های قوی، تسلیح را قبل از آزادسازی ممکن ساخت.

در کنار تشکیل سازمان پیشمرگان مسلمان، مقاومت روستای دولاب در منطقه کوهستانی حدفاصل سنندج، کامیاران و مریوان در مقابل تهاجم گروههای شورشی موجب شد تسلیح روستاییان نیز مورد توجه قرار گیرد. در این مقطع تسلیح روستایی به صورت اقتضایی و بر اساس تشخیص فرماندهان محلی و متناسب با نیاز عملیاتی سپاه، صورت می‌گرفت. استقبال مردم از تسلیح، بویژه پس از عملیات آزادسازی نیروهای دولتی و از بین رفتن سلطه نظامی ضدانقلاب چشمگیر بود.

در شمال کردستان که توسط تشکیلات جداگانه‌ای اداره می‌شد، عده‌ای از افراد توابع کرمانج در سلماس به نیروهای دولتی پیوستند و در منطقه سرو از توابع شهرستان ارومیه، بزرگ طایفه عبدویی‌ها نیز خود را تسلیم کرد و به همکاری با سپاه پرداخت. طایفه فنک‌ها و ملکاری هم در سردشت برای مسلح شدن و همکاری با نیروهای دولتی اعلام آمادگی کردند. طوایف ایل منگور نیز از ابتدای سال ۱۳۵۸ و قبل از شکل‌گیری سازمان پیشمرگان مسلمان، به نیروهای دولتی پیوستند و در این پیوستگی از تمام توان و قدرت خویش برای مبارزه با گروههای مسلح شورشی دریغ نوردیدند.<sup>۱</sup>

گروههای شورشی با آگاهی از برنامه‌های سپاه در زمینه تسلیح مردم، خود را

۱- عشایر منگور در راه مبارزه با ضدانقلاب متحمل ۴۰ شهید و ۱۰۰ جانباز شدند. غنی بلوریان در خاطرات خود حمله نیروهای حزب دمکرات به منگوری‌ها و کشتار آنها را اشتباه بزرگ حزب دمکرات دانسته که برای حزب دمکرات کردستان گران تمام شد. (بلوریان، ۱۳۸۲)

با وضعیت جدید سازگار کرد و با حملات نظامی و تبلیغاتی با آن مبارزه کرد. در نتیجه برخی از روستاهای مسلح شده که فاقد توان کافی برای دفاع بودند، خلع سلاح شدند و تعدادی از مردم به قتل رسیدند.

استراتژی تسلیح در این مقطع به صورت اقتضایی، بویژه در جنوب کردستان به اجرا درآمد که در نتیجه آن نیروهای ضدانقلاب از منطقه رانده شده و منطقه تحت کنترل نیروهای دولتی درآمد. هدف اصلی این استراتژی حمایت از حرکت سازمان یافته مردم کردستان علیه ضدانقلاب بود و امکانات و تسهیلات اداری و امکانات نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی دولت در حد امکان به کار گرفته شد. علی‌رغم محدودیتها و برخی ناهماهنگیها، مدیریت بحران تلاش فراوانی کرد تا فعالیتها را در زمینه‌های سیاسی و نظامی در مسیر واحدی هدایت کند و با تقسیم جریان کلی عملیات تسلیح، به مراحل مختلف و بیان چگونگی عمل به نیروهای مجری، مرحله به مرحله اهداف موردنظر را تعقیب کند.

یکی از مهمترین مشکلات پیش‌روی مدیریت بحران در این مقطع انطباق فرماندهان، مدیران و پرسنل با شرایط و ضرورت‌های مبارزه بود که می‌بایست رده‌ها و نفرات تحت امر، با احتیاجات و ضرورت‌های مبارزه با چریک‌های ضدانقلاب و برخورد محبت‌آمیز با مردم کردستان آشنا می‌شدند. اجرای این استراتژی وضعیتی را به وجود آورد، که بازگشت شورشیان را به منطقه بسیار دشوار ساخت و مردم منطقه با حمایت نیروهای دولتی، وظیفه آزادسازی و دفاع از خود را برعهده گرفتند. (ولدیکی، ۱۳۶۹)

با ایجاد پایگاه‌های استقراری در مناطق آزاد شده، یک شبکه دفاعی با حضور خود مردم در مناطق کردنشین شکل گرفت، که می‌توانست از مردم و کارکنان غیرنظامی دولت محافظت کند. این پایگاهها در تماس دایم و مستقیم در زمینه کسب اطلاع از نیازمندیهای مردم و اعلام نوع خدمات ضروری را به ارگانها و سازمانهای دولتی برعهده داشتند.

تجربیات سپاه در سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ بویژه در مناطق جنوب کردستان،

موجب شد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تسلیح مردم را از حالت اقتضایی خارج و در قالب یک دکترین تدوین و به مرحله اجرا درآورد، که پس از تشکیل قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) و هماهنگی فعالیتهای نظامی و سیاسی، در سطح شهرهای کردنشین استانهای آذربایجان غربی و کردستان عملی شد.

**مقطع دوم -** تا سال ۱۳۶۱ اکثر شهرها و مراکز جمعیتی مهم از کنترل گروههای مسلح شورشی خارج شد. در مرحله بعد، پاکسازی محورهای اصلی ارتباطی بین شهرها آغاز شد و گروههای مسلح ضدانقلاب مرحله به مرحله عقب‌نشینی کرده و سرانجام راه خروج از کشور را در پیش گرفتند.<sup>۱</sup> با این حال عملیاتهای مسلحانه گروههای ضدانقلاب در قالب حمله به پایگاههای دولتی، اجرای کمین، ترور، مین‌گذاری و حمله به مراکز خدمات عمومی همچنان ادامه داشت. از آنجا که خط‌مشی نظام، جداسازی صف گروههای شورشی از مردم بود، در این مرحله برای تحکیم امنیت و خدمات‌رسانی به مردم، هماهنگ‌سازی کلیه فعالیتهای نظامی، سیاسی و اقتصادی ضروری محسوب می‌شد. به همین دلیل، قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در سال ۱۳۶۱ با هدف ایجاد وحدت فرماندهی در درون نیروهای نظامی و انتظامی و وحدت رویه و متوازن کردن فعالیتهای مقابله با شورش در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و در نهایت به منظور برقراری امنیت و تثبیت آن در محدوده استانهای آذربایجان غربی

۱- آزادسازی مناطق کردنشین یکباره محقق نشد، بلکه پاکسازی مناطق کردنشین بویژه روستاها، فرآیند کند و طولانی بود. به تعبیر فرماندهان سپاه در کردستان، جمهوری اسلامی برای پاکسازی مناطق کردنشین هرگز از راهبرد سرزمین سوخته استفاده نکرد، چرا که رهبری انقلاب و فرماندهان سپاه معتقد بودند که حساب مردم کرد از حساب گروه مسلح ضدانقلاب جداست. به همین دلیل، سپاه سعی کرد تا به هنگام پاکسازی مناطق مختلف بویژه مناطق مسکونی، به گونه‌ای عمل کند که خون هیچ بی‌گناهی بر زمین ریخته نشود. گرچه به سبب اتخاذ این رویکرد، لاجرم متحمل تلفات و هزینه‌های زیادی می‌شد (مصاحبه با سردار ایزدی (سرتیپ پاسدار مصطفی ایزدی فرمانده سابق قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) طی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ بودند) و امیر لطفیان).

و کردستان ایجاد گردید.<sup>۱</sup> (جلالی، ۱۳۷۹)

قرارگاه برای تحقق اهداف خود، اصولی را تدوین کرد که از آن به عنوان اصول حاکم بر راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران در کردستان نام برده می‌شود. این اصول بر راهبردهای قرارگاه حاکم و راهنمای عمل در کلیه عملیاتها و طرح‌ریزیها بود. سیستم تصمیم‌گیری با در نظر گرفتن اهداف و انتخاب ترکیبی از این اصول، راهبرد مناسب و وضعیت خود را برای مقابله با شورش تدوین می‌کردند. این اصول عبارت بودند از: (مصاحبه با امیر لطفیان<sup>۲</sup>، صادقی، ۱۳۷۷، جلالی، ۱۳۷۹)

- ۱- اصل توازن (هماهنگی سازمانهای سیاسی و نظامی و رهبری واحد)؛
- ۲- اصل خنثی‌سازی گروههای شورشی (کاهش همه‌جانبه فعالیت‌های شورشگران)؛
- ۳- تقدم دادن به تسلیم شورشیان، به جای کشتن آنها؛
- ۴- حرکت همسو و همه‌جانبه در ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛
- ۵- جدا دانستن صف مردم از شورشیان؛
- ۶- محبت به مردم و ممانعت از وارد شدن خسارت به آنها در هنگام درگیریهای مسلحانه؛
- ۷- ایجاد امنیت و مشارکت دادن مردم در برقراری امنیت.

در جریان مدیریت بحران، قرارگاه با بهره‌گیری از همه منابع لشکری و کشوری و به تناسب هر یک از نیروها، عملیاتهای مختلفی را در دستور کار قرار داد. مجموعه این عملیاتها عبارت بودند از: عملیات رزمی، عملیات اطلاعات، بستن و کنترل مرز، کنترل جمعیت، عملیات روانی، تحدید منطقه عملیات و عملیات بسیج و مردمیاری (مصاحبه با امیر لطفیان، ۱۳۸۳). در این مرحله تسلیح در قالب یک طرح منسجم و به صورت یکپارچه در تمامی مناطق شمال و جنوب کردستان به اجرا

۱- قبل از تشکیل قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع)، منطقه شمالی کردستان شامل شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی و مناطق جنوبی کردستان شامل شهرهای استانهای کردستان و کرمانشاه توسط ۲ تشکیلات جداگانه اداره می‌شدند که هماهنگی کافی میان آنها وجود نداشت.

۲- امیر سرتیپ هدایت لطفیان فرمانده سابق قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) (۱۳۷۲-۱۳۶۴).

درآمد. سپاه برای اخذ پشتیبانی‌های قانونی موضوع تسلیح ابتدا در شورای امنیت و در سال ۱۳۶۲ به تصویب شورای تأمین ویژه غرب کشور رسید.

طرح تسلیح به دلیل استقرار امنیت نسبی در مناطق شهری و به دلیل ساختار اجتماعی کردستان و استقرار بیش از ۶۰ درصد از جمعیت کردستان در مناطق غیرشهری، بر مناطق روستایی و عشایری متمرکز گردید (نجفی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۷). این طرح بر اساس تجارب کسب‌شده دارای دو بخش روستایی و عشایری بود و حاوی سازوکار و فرآیند عملیات تسلیح شامل ملاکهای انتخاب روستاها و عشایر و مراحل تسلیح و تعیین نقش هریک از سازمانهای لشکری و کشوری در هر مرحله بود.

با توجه به سیاستهای برنامه تسلیح، مناطق کردستان بر اساس سطح امنیت و میزان حضور و فعالیت گروههای مسلح ضدانقلاب به سه بخش؛ شامل مناطق قرمز، زرد و سفید تنظیم گردید و بر اساس ضوابط مشخص شده برای هر بخش، برنامه تسلیح به اجرا درآمد.

#### عکس‌العمل ضدانقلاب

گروههای شورشی با احساس خطر شدید از برنامه تسلیح، از همان آغاز کار برای جلوگیری از خروج مراکز جمعیتی از کنترل خود، به مقابله با تسلیح مردم از سوی دولت پرداختند. ضدانقلاب برای حفظ موقعیت خود در مرحله اول با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و به‌کارگیری روشهای مختلف عملیات روانی، تلاش کرد با تحریک و تشدید حس بدبینی مردم نسبت به دولت، آنها را از همکاری و همراهی با نیروهای دولتی بازدارد. در مرحله دوم، با توسل به روشهای خشونت‌آمیز و سرکوب شدید، سعی کردند با ایجاد رعب و وحشت مانع از پیوستن مردم به سپاه شوند (آذین پور، ۱۳۸۳). ترور روحانیون و افراد با نفوذ محلی که با سپاه همکاری داشتند، از اقداماتی بود که ضدانقلاب برای ایجاد وحشت در میان مردم و جلوگیری از همکاری آنها با دولت انجام شد.

اقدامات تنبیهی و خشونت‌آمیز گروههای شورشی، بویژه در مناطق قرمز بر

ادامه کار برنامه تسلیح تأثیرگذار بود، ولی نتوانست از توسعه و پیشرفت برنامه جلوگیری کند. از سوی دیگر خشونت به کار رفته از سوی ضدانقلاب، موجبات عدم همکاری مردم با شورشیان و در نهایت زمینه مشارکت آنها را در ایجاد و حفظ امنیت فراهم کرد.

#### دستاوردهای تسلیح

برقراری و تثبیت امنیت در منطقه از طریق مردم برای مردم، یکی از ارکان مهم تصمیم‌گیری در مدیریت بحران کردستان بود. این ویژگی باعث شد مردم بومی کردستان با مشارکتی گسترده در عملیات مقابله با شورش به‌کارگیری شوند. سپاه و فرماندهان آن با تهیه و اجرای طرح تسلیح در یک روند تکوینی و رو به رشد، توانست از این عامل در جهت ایجاد و تثبیت امنیت در منطقه بهره‌مند شود. جذب، سازماندهی و به‌کارگیری مردم، دستاوردهای مهمی در پی داشت. فرماندهان سپاه توانستند از توانایی‌های مردم برای رفع نیازهای مدیریت بحران بهره‌های فراوان ببرند. حمایت و پشتیبانی فعال مردم کردستان، مزایای چشمگیری داشت که عبارت بودند از:

**الف - برقراری و توسعه امنیت در کردستان - مدیریت بحران در کردستان**

با اجرای برنامه‌های بسیج، اتصال و آمیختگی میان مردم و امنیت منطقه را برقرار کرد و با بها دادن به نقش آنها، زمینه‌های مشارکت و همکاری مردم فراهم شد. سپاه با رشد هرچه بیشتر حرکتهای مردمی و پذیرش مسئولیت آموزش، سازماندهی و تجهیز آنها، از نیروهای بومی برای آزادسازی مناطق تحت اشغال ضدانقلاب بهره‌مند شد. این نیروها به دلیل بومی بودن و آشنایی با منطقه و مردم، در عملیات آزادسازی و حفظ آنها نقش برجسته‌ای داشتند. تسلیح مردم و افزایش توانمندیهای دفاع مردمی مانع از بازگشت ضدانقلاب و باعث جدایی مردم از شورشگران شد. در نتیجه جمعیت به عنوان نقطه اتکا از کنترل ضدانقلاب خارج و ضدانقلاب متکی به جغرافیا شد، جغرافیایی که در زمستان دارای مزیت نبود.

تسلیح و ایجاد پایگاههای مقاومت روستایی و عشایری، منجر به ایجاد امنیت و اعاده حاکمیت دولت به مراکز جمعیت شد. جدایی شورشگران از مردم و مراکز جمعیت، کاهش چشمگیر منابع پشتیبان ضدانقلاب را در پی داشت. برقراری و توسعه امنیت باعث شد مردم با امید بیشتری در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور پیدا کنند. به‌طور مثال، مشارکت مردم کردستان در انتخابات به مرور زمان و با افزایش امنیت سیر صعودی داشته است (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱- مشارکت مردم استان کردستان در انتخابات

ردیف	انتخابات	زمان	درصد مشارکت
۱	اولین دوره ریاست جمهوری	۵۸/۱۱/۱۵	۲۲/۸۳
۲	اولین دوره مجلس شورای اسلامی	۵۸/۱۱/۲۴	۲۲/۴۹
۳	دومین دوره ریاست جمهوری	۶۰/۵/۲	۴۳/۷۲
۴	سومین دوره ریاست جمهوری	۶۰/۷/۱	۴۸/۴۶
۵	دومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۳/۱/۲۶	۴۷/۹۱
۶	چهارمین دوره ریاست جمهوری	۶۴/۵/۲۵	۵۱/۵۷
۷	سومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۷/۱/۱۹	۶۱/۴۹
۸	چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی	۷۱/۱/۲۱	۷۱/۳۵

منبع: سایت وزارت کشور دولت جمهوری اسلامی ایران

ناتوانی نیروهای ضدانقلاب داخلی در به شکست کشاندن رژیم جمهوری اسلامی، پایان جنگ عراق علیه ایران، ضربه‌پذیر شدن پایگاههای احزاب مخالف در خاک عراق و تشدید شکاف‌ها و چند دستگی، وضعیت روانی مأیوس کننده‌ای در بین نیروهای شورشی ایجاد کرد و در نتیجه، گروههای شورشی با پذیرش شکست از فاز نظامی به فاز سیاسی عقب‌نشینی کردند.

ب - تأمین نیروی انسانی و توسعه سازمانهای دولتی - در ماههای آغازین بحران کردستان، فضای فکری - فرهنگی به وجود آمده بعد از پیروزی انقلاب



اسلامی، برای سازمان مدیریت بحران در کردستان، نیروی انسانی مناسب را در اختیار نهادهای انقلاب قرار داد. تهاجم ارتش عراق به ایران، محدودیتهایی برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز سازمان مدیریت بحران به وجود آورد.

جذب مردم بومی توانست علاوه بر تأمین نیازمندیهای نیروی انسانی، موجب تقویت توان رزمی سپاه و تغییر موازنه به نفع سازمان مدیریت بحران در کردستان شد. سیاست کلی مدیریت بحران، جذب نیروهای مردمی و واگذاری امور به کارکنان بومی در یک فرآیند اطمینانبخش و کارآمد بود. در نتیجه در سالهای پایانی دهه ۶۰ امکان ترخیص تعداد زیادی از کارکنان غیربومی شاغل در منطقه از طریق جایگزینی نیروهای بومی فراهم گردید (آذین پور، ۱۳۸۳). این اقدام علاوه بر صرفه جویی در نیروی انسانی، مشکل عدم انطباق و آشنایی نیروهای غیربومی سپاه با شرایط فرهنگی و جغرافیایی کردستان و عدم ثبات نیروهای اعزامی را حل کرد. قرارگاه برای عقب نماندن از مشارکت ملی، تعدادی از نیروهای جذب شده را به واحدهای مردمی حاضر در جبهه جنگ اعزام کرد. (سیحانی، ۱۳۷۸)

با شناسایی افراد توانمند، زمینه جذب نیروهای بومی در سازمانها و نهادهای دولتی و سیستم اجرایی منطقه فراهم آمد. این نیروها سپس با پذیرش مسئولیتهای اجرایی در سطوح مختلف مدیریتی در استانهای کردستان، کرمانشاه و شهرهای کردنشین آذربایجان غربی به نقش آفرینی در سیستم اجرایی منطقه و کشور پرداختند.

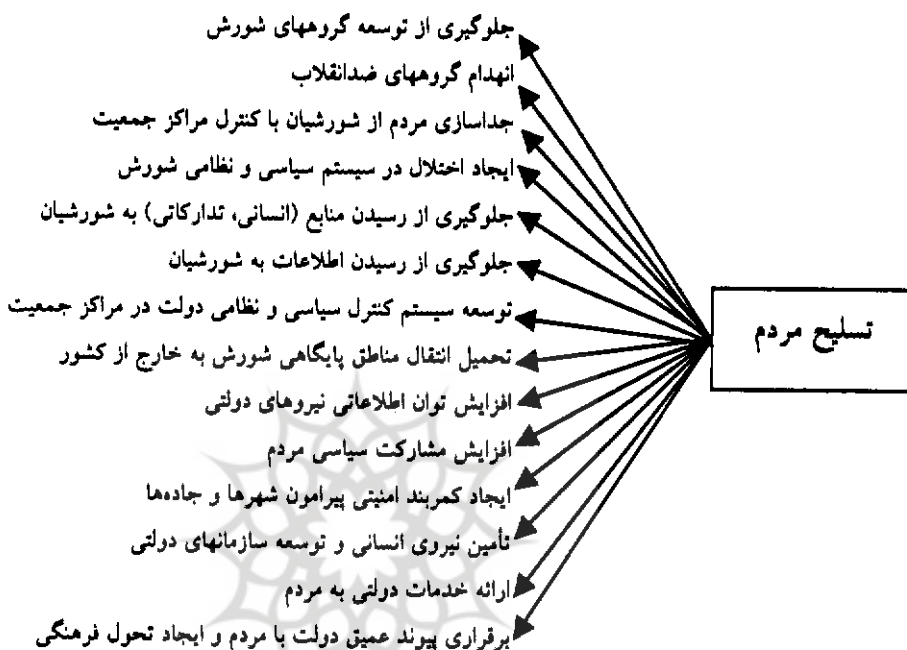
ج - برقراری پیوند عمیق با مردم و ایجاد تحول فرهنگی - بسیج و تسلیح مردم نتایج مثبت دیگری نیز در بر داشت که ضمن کسب شناخت از آنها توانست به جلب اعتماد مردم و ایجاد پیوند و رابطه عاطفی میان سپاه و مردم منجر شود. بروئین سن (۱۹۹۲) تأکید می کند که گردها نگرش و نظر مساعدی به حکومتهای خود نداشته اند. او در اثبات ادعایش، بیش از هر چیز به تلاش دولتها برای تحقیر گردها و خرده فرهنگ آنها تأکید می ورزد. به باور او، عراق و ترکیه و نیز ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، هنگام روبه رو شدن با بحران در مناطق کردنشین خود،

به جای مبارزه با علت، به مقابله با معلول پرداخته‌اند. مراد او این است که حکومتها به جای آنکه ریشه‌های بروز بحران را که اغلب چیزی جز احساس تبعیض، تحقیر فرهنگی و وجود حکومتهای نابرابر نیست، از میان بردارند به قلع و قمع کردها و تحقیر آنها پرداخته‌اند. چنین رویکردی نیز نه تنها موجب حل بحران نشده، بلکه بر کینه و نفرت کردها نسبت به حکومت مرکزی افزوده است.

سپاه با ورود به مناطق کردنشین چنین رویه‌ای را دنبال نکرده و بیشترین تلاش خود را در حیطه فرهنگی و اجتماعی متمرکز ساخت. گرچه، اتخاذ چنین رویکردی موجب به درازا کشیده شدن فرآیند مدیریت بحران مناطق کردنشین شد، اما اثرات آن در حل بنیادین بحران کردستان ماندگارتر بود. سپاه و سایر نهادهای دولتی و انقلابی، بر این باور بودند که مردم کرد با مشاهده رفتارهای نیکو و اسلامی، به حسن نیت نظام پی خواهند بود و بر اثر آن نگرش خود را نسبت به نظام بهبود خواهند بخشید و به کنشهایی مبادرت خواهند کرد که منطبق با موازین و ارزشهای نظام جمهوری اسلامی است.

برقراری پیوند عمیق با مردم و رفتار و عملکرد اسلامی پاسداران بر نگرشهای مردم کردستان تأثیر مثبت بر جای نهاد، پیوستن هزاران نفر از اقشار مردم کردستان به سپاه بیانگر آن است. برقراری این پیوند و وجود رفتار اسلامی در برخورد با مردم، ارزشهایی همچون باورهای عمیق مذهبی، اعتقاد به اصالت دین، تکریم روحانیون و نیز هنجارهایی چون نماز جماعت، صله رحم را تقویت کرد و سپس ارزشها و هنجارهای متباین با ارزشها و هنجارهای مذهبی را به تدریج مورد آماج قرار داد. حاصل چنین اقداماتی منسوخ شدن برخی الگوهای ناهنجار و تقویت ارزش و هنجارهای دینی بود. (الیاس، ۱۳۸۲)

د - ایجاد کمربند امنیتی پیرامون شهرها و جاده‌ها - تسلیح مردم بویژه تسلیح روستاها و عشایری که در تأمین امنیت شهرها و جاده‌ها مؤثر بودند، در ایجاد کمربند امنیتی پیرامون شهرها و جاده‌ها در کردستان مؤثر بود.



### نمودار شماره ۵-۱- نتایج و پیامدهای تسلیح مردم در کردستان

#### نتیجه‌گیری

به دنبال شکست سیاست مذاکره و مصالحه، سیاست امنیتی جمهوری اسلامی مبنی بر مردمی کردن امنیت شکل گرفت. بر اساس چنین سیاستی در حالی که نیروهای دولتی با عناصر مسلح گروههای شورشی مقابله می‌کردند در همان حال وظیفه داشتند تا خدمتگزار مردم محروم کردستان باشند. این رویکرد بر این اعتقاد بود که می‌توان با ورود مردم به صحنه و جلب مشارکت فعال آنها، نسبت به ایجاد و حفظ امنیت اقدام کرد. بر این اساس برقراری و تثبیت امنیت در کردستان از طریق مردم و برای مردم یکی از ارکان مهم تصمیم‌گیری در مدیریت بحران کردستان محسوب می‌شد. این اعتقاد و عمل به آن موجب شد تا مردم کردستان به‌طور گسترده در عملیات مقابله با شورش گروههای مسلح به‌کارگیری شوند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان آن در یک روند تکوینی رو به

رشد، توانستند از این عامل در جهت ایجاد و تثبیت امنیت در منطقه بهره‌مند شوند. جذب، سازماندهی و به‌کارگیری نیروهای بومی کرد، دستاوردهای مهمی در پی داشت و سپاه توانست از تواناییهای مردم برای رفع نیازهای مدیریت بحران بهره‌های فراوان برد.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مردمی کردن امنیت در مدیریت بحران کردستان، مطلوب و اثربخش بوده است. از جمله شواهد مربوط به این ادعا عبارتند از:

- برقراری و توسعه امنیت در کردستان؛
- افزایش روزافزون تعداد پیشمرگه‌های مسلمان کرد؛
- کاهش تعداد جذب نیرو توسط گروههای مسلح شورشی؛
- افزایش روزافزون تعداد تسلیمی‌های گروههای مسلح شورشی؛
- مشارکت گسترده مردمی در فرآیندهای سیاسی موافق جمهوری اسلامی ایران؛
- تأمین نیروهای انسانی و توسعه سازمانهای دولتی؛
- شرکت فعال مردم در دفاع مقدس از طریق شرکت داوطلبانه در جبهه‌های جنگ با عراق.

از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اگر بستر و زمینه‌های لازم فراهم شود، مردم با شوق و اشتیاق از بسیج استقبال کرده و از اقدامات شورشگرانه و خشونت‌آمیز گروههای شورشی بیزاری جسته و به صورت فعال در برقراری و تثبیت امنیت مشارکت می‌نمایند. عوامل مختلفی در مردمی کردن امنیت در فرآیند مدیریت بحران موثر بودند ولی از میان آنها نقش عواملی چون اعتمادسازی، ایجاد امنیت برای مردم، مردمیاری، هماهنگ‌سازی نهادهای نظامی، سیاسی و همکاری و همراهی نخبگان و شخصیت‌های با نفوذ محلی برجسته بود.

## منابع فارسی

- ۱- آذین‌پور، حمید (۱۳۸۳)؛ *تبیین راهبرد مدیریت منابع انسانی قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع).
- ۲- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۳)؛ "نقش مردم‌باری فرهنگی در مدیریت بحران با تأکید بر بحران کردستان ایران در دهه ۶۰"؛ *فصلنامه مطالعات بسیج*، شماره ۲۵، صص ۴۴-۵.
- ۳- الگار، حامد (۱۳۶۰)؛ *انقلاب اسلامی در ایران*، تهران، قلم.
- ۴- بلوریان، غنی (۱۳۸۲)؛ *برگ سبز*، ترجمه رضا خیری، تهران، انتشارات رسا.
- ۵- بیلینس، جان و دیگران (۱۳۷۳)؛ *استراتژی معاصر*، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۶- حسینی، حسین (۱۳۸۲)؛ *توسعه و پدافند داخلی*، تهران، نیروی مقاومت بسیج.
- ۷- حسینی، حسین (۱۳۷۲)؛ "عملیات روانی در شورشگری"، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۳ و ۴.
- ۸- جلالی، غلامرضا (۱۳۷۹)؛ *راهبرد امنیتی دهه ۶۰ ج. ۱، کردستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع).
- ۹- جلاتی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۲)؛ *کردستان: حلقه تداوم بحران پس از انقلاب اسلامی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۰- چمران، مصطفی (۱۳۶۴)؛ *کردستان*، تهران، بنیاد شهید چمران.
- ۱۱- روحی، نبی‌اله (۱۳۸۴)؛ *بررسی نقش تسلیح مردم در مقابله با بحران کردستان*، پروژه تحقیقاتی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
- ۱۲- شورشگری و ضدشورشگری (بی‌تا)؛ *بی‌نا، بی‌جا*.
- ۱۳- صادقی، رضا (۱۳۷۷)؛ *مدیریت بحران در کردستان ایران: بررسی روند متمرکز و هماهنگی امور*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.

- ۱۴- کالینز، جان ام. (۱۳۷۳)؛ *استراتژی بزرگ*، ترجمه کورش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۵- نجفی، یدان... (۱۳۶۹)؛ *جغرافیای عمومی کردستان*، تهران، امیرکبیر.
- ۱۶- ولد بیگی، بهران (۱۳۶۹)؛ *تاریخ سیاسی اجتماعی پاوه و اورامانات*، تهران، احسان.

### English Reference

- 1— Anond V. K. (1981). *Insurgency and Counter-Insurgency*, New Delhi Deep Publications.
- 2— Elliot, Jeffry, et. Al (1991). *The Arms Control Disarmament and Military Security Dectlonary*, Santa Barbaro Colifornia Press.
- 3— Entessar, Nader (1992), *Kordish Ethnonationalism*, Lynne Rienner Publishers, London.
- 4— Galula, David (1964). *Counter Insurgency Warfare*, NewYork, Praeger.
- 5— Izady Mehrdad (1992). *The Kurds*, Gran Rusak.
- 6— Thompson, Robert (1966). *Deafeating Communist Insurgency*, London, Chatto and Wind.
- 7— W. Beekett, Ian F. (2001). *Modern Insurgencies and Counter-Insurgencies*, London, Routledge.
- 8— Van Bruinessen, Martin (1992), *Agha Sheikh and State*, London, Zed Book.